

بررسی و تبیین جایگاه ارزش‌های اخلاقی در حرفه مالیات

مهدی مهدوی خو^۱، غلامرضا کرمی^۲، محسن ختن لو^۳

مقاله مروری

چکیده

زمینه و هدف: امروزه شرکت‌ها و سازمان‌های متخلف، با استفاده از حساب‌رسان ماهر و حرفه‌ای و مشاورین مالیاتی کارآموده و با استفاده از پیچیدگی‌های قوانین مالیاتی و یا با استفاده از نفوذ در ادارات، از بازپرداخت عوارض و مالیات شانه خالی می‌کنند و با فرار مالیاتی و یا اجتناب از پرداخت مالیات، به سودهای کلان می‌رسند. بدیهی است که سلب اعتبار و اعتماد نسبت به عملکرد یک حرفه در راستای اجرای وظایف، موجب کاهش سطح اطمینان افراد جامعه و تهدید و چالش مهمی برای سیستم اقتصادی جامعه می‌باشد. لذا، عدم توجه به نقاط حساس و آسیب‌پذیر این حرفه، موجب می‌گردد که جامعه، حرفه را محکوم و غیر قابل اعتماد ببیند.

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفت و ضمن بررسی علل افول ارزش‌های اخلاقی، علت اصلی انحرافات و ناهنجاری‌های شغلی را عدم وجود تعهد اخلاقی در افراد بیان نموده و راه‌حل لازم برای اجرایی شدن اصول و آیین‌های رفتار حرفه‌ای را تعالی اخلاقی می‌داند و سعی بر آن دارد تا با ارائه رویکردی متفاوت بر ارزش‌های اخلاقی و معرفی زمینه‌های آسیب‌رسان بر اعتبار حرفه مالیات، به تبیین نقش تعهد اخلاقی در تدوین و اعمال رفتار حرفه‌ای در مالیات بپردازد. هدف از این مطالعه، بررسی دیدگاه‌ها و رویکردهای اخلاقی مرتبط با چپستی و چرایی پرداخت مالیات و تبعیت و تمکین از قوانین و مقررات مالیاتی بود.

کلید واژه‌ها: اخلاق مالیاتی، تعهد اخلاقی، فرار مالیاتی

ارجاع: مهدوی خو مهدی، کرمی غلامرضا، ختن لو محسن. بررسی و تبیین جایگاه ارزش‌های اخلاقی در حرفه مالیات. مجله مدیریت فراگیر ۱۳۹۶؛ ۳ (۴): ۳۷-۴۳.

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۱۵

هزینه‌هایی که بر اساس قانون مالیات مجاز شمرده شده‌اند، بنا نهاده شده است. به طور خلاصه، همان طور که در تعریف طرح خوداظهاری بیان شد، این طرح در تلاش است تا با ایجاد یک فرهنگ مالیاتی منسجم و با برقراری جرائم، معافیت‌ها و همچنین انجام حسابرسی تصادفی از مجموعه اظهارنامه‌های واصله، تبعیت از قوانین مالیاتی را بهبود بخشد. اما آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد این است که با وجود اعتقاد و تعهد اخلاقی نسبت به پرداخت مالیات، افراد در رابطه با اطاعت از قوانین مالیاتی، شرایط خود و نحوه عکس‌العمل افراد جامعه را مدنظر

مقدمه

در سال ۱۹۹۶، یک طرح جدید برای تخمین و جمع‌آوری مالیات در کشور بریتانیا معرفی گردید. این طرح در سال ۱۹۹۴ توسط قانون منابع مالی به نام طرح خوداظهاری عنوان شد. خوداظهاری، مسؤلیت قانونی ایجاد یک نظام مالیاتی شفاف را به مالیات دهنده منتقل می‌نماید. وجود این نوع مسؤلیت، اتخاذ تصمیمات اخلاقی را برای مالیات‌دهندگان و مشاورین مالیاتی تشدید می‌نماید (۱). طرح خوداظهاری بر پایه صداقت افراد در مورد تکمیل اظهارنامه‌های مالیاتی، اعلام درآمد و تنظیم

۱- کارشناس ارشد حسابداری، حسابرس اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان همدان، همدان، ایران

۲- مربی، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، همدان، ایران

۳- دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

نویسنده مسؤول: مهدی مهدوی خو Email: mahdi.mahdavikhou@gmail.com

نموده است. ترس از کشف فرار مالیاتی و همچنین وجود تئوری بازدارندگی و تلاش مؤدیان در جهت ماکزیمم نمودن منافع شخصی خود، مؤدیان مالیاتی را به تجزیه و تحلیل منافع حاصل از فرار مالیاتی و جرایم ناشی از کشف فرار و تخلف مالیاتی سوق می‌دهد (۴). حسابداران و حسابرسان با دستکاری و تقلب در محاسبه درآمدها، کسورات و معافیت‌های مالیاتی آنها به اشخاص و یا شرکت‌ها کمک می‌نمایند. حسابرسان آمریکایی، سالانه ۴۶ میلیارد دلار درآمد دارند که بخش مهمی از آن محصول دستکاری در دفاتر مالی شرکت‌های مختلف است (۵). اگرچه جرایم ناشی از فرار مالیاتی نه تنها از لحاظ اقتصادی برای مؤدی مطلوب نیست بلکه از جنبه اجتماعی نیز مورد قبول وی نمی‌باشد. مؤدیان معتقدند، ممکن است با کشف فرار مالیاتی جایگاه تجاری و تعهدات اجتماعی خود را دچار خدشه نمایند. با توجه به اینکه در نظام حسابرسی تصادفی، تنها تعداد بسیار محدودی از اظهارنامه‌های مالیاتی جهت رسیدگی انتخاب می‌شوند و با توجه به وجود تئوری بازدارندگی، موجب تقویت روحیه گریز از پرداخت مالیات می‌گردد. هرچند شواهد موجود در ایالات متحده آمریکا، نشان می‌دهد در جایی که حدود ۱ درصد اظهارنامه‌های مالیاتی به شکل تصادفی جهت حسابرسی انتخاب می‌شوند، نرخ پذیرش و مشارکت مردم در رابطه با مالیات بالای ۸۳ درصد می‌باشد (۶). بنابراین تئوری بازدارندگی، در عدم مشارکت افراد نقش مؤثری ایفا نمی‌نماید. سؤال اساسی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا مدارکی وجود دارد که نشان دهد علت مشارکت مردم در پرداخت مالیات از آن جهت است که مردم پرداخت مالیات را به عنوان یک عمل اخلاقی درست تلقی می‌نمایند؟

آیا پرداخت مالیات یک عمل اخلاقی است؟

تحقیقات پژوهشی بسیاری در رابطه با این مسأله بحث می‌نمایند که چرا مردم با توجه به اینکه می‌دانند احتمال کشف و تقلب و فرار مالیاتی آنها بسیار ضعیف است باز هم قوانین مالیاتی را پذیرفته و از آن اطاعت می‌کنند؟ با توجه به تحقیقات انجام شده، عواملی که بر روی مالیات دهندگان مؤثر بوده و موجب پذیرش مالیات می‌شوند را خلاصه نموده‌اند. نتیجه تحقیقات بسیار جالب بود و نشان داد که مالیات دهندگان با

قرار می‌دهند. امروزه برقراری هنجارهای اخلاقی بی‌قاعده در رابطه با پرداخت مالیات که بیشتر توسط تبلیغات رسانه‌ای برای مشاوره مالیاتی انجام می‌شود، مانع از ارتقاء و بهبود رفتار اخلاقی در موضوع پرداخت مالیات شده است.

اصولاً از مؤدیان مالیاتی، بیشتر انتظار می‌رود که به شکل اخلاقی رفتار نمایند، زیرا از یک سو باید منابع سود خود را به شکل کامل گزارش نموده و از سوی دیگر نباید در نشان دادن هزینه‌های کاهنده مالیات، مبالغه نمایند. گاهی اوقات که قوانین مالیاتی در مورد مقدار صحیح درآمد و هزینه‌های قابل کسر از مالیات نیاز به تفسیر دارد ممکن است حضور یک مشاور مالیاتی ضروری باشد. یک مشاور مالیاتی به عنوان نماینده مؤدی مالیاتی عمل نموده و با بکارگیری دانش فنی خود حدود قوانین مالیاتی را در مورد هر مالیات دهنده مشخص می‌نماید (۲). نقش یک مشاور مالیاتی، حداقل نمودن بدهی مالیاتی برای مؤدیان مالیاتی است و به مؤدی تضمین می‌دهد که امور وی را به گونه‌ای تنظیم نماید که صورتحساب مالیاتی فرد در پایین‌ترین میزان قرار گیرد. مشاوران مالیاتی از سوی مؤدیان مالیاتی برای یافتن راه‌های گریز قانونی در جهت کاهش بدهی مالیاتی، تحت فشار قرار می‌گیرند. ترس از زیان یک مؤدی و در نتیجه از دست دادن حق الزحمه و جایگاه شغلی، می‌تواند منجر به تفسیر نادرست و سودجویانه از قوانین مالیاتی شده و ممکن است انتظارات عمومی در رابطه با رفتار و اخلاق حرفه‌ای را نقض نماید. این قسمت دو موضوع را در رابطه با اخلاق و مالیات بیان می‌نماید: ۱. رعایت اخلاق در مؤدیان و اینکه چرا مؤدیان با پرداخت مالیات موافقت می‌کنند؟ ۲. ناسازگاری بین اخلاق شخصی و حرفه‌ای مشاوران مالیاتی.

اخلاق مؤدیان مالیاتی: پرداخت مالیات و تئوری بازدارندگی (Deterrence Theory)

مثل معروفی می‌گوید «فقط آدم‌های کوچک مالیات می‌پردازند» (۳). باور عمومی و موضوع اصلی در ارتباط با طرح خوداظهاری، ترس مؤدیان مالیاتی از کشف فرار مالیاتی آنها و اجتناب از پرداخت مالیات است. قانون خوداظهاری، جرایمی در رابطه با عدم تحویل اظهارنامه مالیاتی وضع نموده و یک نوع حسابرسی تصادفی برای ارزیابی اظهارنامه‌های مالیاتی معین

و این سؤال را مطرح نمود که آیا اطاعت از قوانین مالیاتی واقعاً یک رفتار اخلاقی است؟ وی معتقد بود که زمینه مشترکی در تعاریف اطاعت و رفتار اخلاقی وجود ندارد و اظهار نمود که اطاعت از قوانین به معنی پیروی از بندهای قانونی است و رفتار اخلاقی در ارتباط با هدایت افراد به سوی تصمیم منطقی است. او اظهار داشت که اگر چه تقلب مالیاتی یک رفتار غیر اخلاقی است، اما آیا به معنی آن است که اطاعت از قوانین مالیاتی یک رفتار اخلاقی است؟ به طور مثال عدم پذیرش مالیات سرانه (Poll tax) در بریتانیا، نمونه‌ای از عدم پذیرش قوانین مالیاتی است، زیرا تصور بر این است که این نوع مالیات غیر منصفانه است. اگرچه بسیاری از آنها مالیات سرانه خود را پرداخت می‌نمایند، اما آیا می‌توان گفت به دلیل اینکه آنها مالیات سرانه را غیر منصفانه می‌دانند پس مرتکب رفتار غیر اخلاقی شده‌اند؟

دیدگاه‌های اخلاقی متفاوت در ارتباط با مالیات

در مطالعه‌ای که توسط ریکرز و همکاران (۴) صورت گرفت، نتیجه بدین شکل بود که مالیات دهندگان در ارتباط با اخلاقی بودن پرداخت مالیات، دیدگاه کاملاً مشترکی نداشته و کسانی قوانین مالیاتی را رعایت می‌کنند که بیشتر به باورهای اخلاقی پایبند هستند. هنگامی که ارزش‌های اخلاقی در فرایند تصمیم‌گیری شرکت داده می‌شود، افراد احتمالاً کمتر بسوی تقلب مالیاتی خواهند رفت. تحقیق دیگری که به شکل بنیادی‌تر موضوع دیدگاه اخلاقی مالیات دهندگان را مورد بررسی قرار داد، توسط آلم و همکاران (۱۳) انجام شد و مشخص نمودند که افراد به شکل وسیعی دارای باورهای اخلاقی گوناگون در ارتباط با مالیات هستند. آنها بیان کردند که اطاعت و پذیرش مالیات تنها به دلیل این باور که فرار مالیاتی یک رفتار ناصحیح اخلاقی است نبوده و بیشتر افراد بر این باورند که کیفیت رفاه عمومی آنان بستگی به پرداخت‌های مالیاتی افراد دارد. آنچه که به طور واضح قابل مشاهده است ارتباط بین رفتارهای اخلاقی افراد یک جامعه و کارایی سیستم اقتصادی آن است (۱۴). در مطالعه دیگری که توسط کاپلن و همکاران (۱۵) انجام شد، موضوع تئوری نسبت و تقلب مالیاتی مورد بررسی قرار گرفت. تئوری نسبت بر این موضوع اشاره دارد که افراد، قضاوت در مورد اعمال خود را نسبت به اتفاقات محیط پیرامون خود انجام می‌دهند. آنها بیان نمودند

سابقه و قدیمی و همچنین مالیات دهندگان زن، بیشتر احتمال کشف فرار مالیاتی را داده و به همین علت بیشتر از قوانین مالیاتی تبعیت می‌نمایند و در نتیجه کمتر به سمت تقلب در اعلام درآمدها حرکت می‌نمایند (۷). همچنین در این تحقیق مشخص گردید که مردم با سطح درآمدهای متوسط و بالا نسبت به مردم با درآمدهای پایین، بیشتر قوانین مالیاتی را می‌پذیرند، که البته در این مورد سطح آموزش، منابع درآمدی افراد و شیوه قانونگذاری می‌تواند تأثیرگذار باشد. اتریونی (۸) معتقد است هیچ دوره آموزش اخلاقی خنثی و بی‌اثر نبوده و همه افراد در این دوره‌ها با اصول اخلاقی رابطه معنی‌داری برقرار می‌نمایند و بدون مراجعه به اخلاق و گفتگوی اخلاقی، هیچ قانونی اثربخش نخواهد بود. طبق گفته مکین تیر (۹) هنگامی که قوانین موجود تحت مباحث اخلاقی تدوین شوند، دیگر الزامی به تعبیر و تفسیر قوانین جانبی نخواهد بود. به عبارت دیگر با وجود ارزش‌های اخلاقی اجرای قوانین الزام می‌یابد و با وجود ارزش‌های اخلاقی وظایف در سطح بهتر و مقبول‌تری اجرا می‌گردند. اما با توجه به اینکه همه مردم به اصول معنوی و اخلاقی، پایبندی کامل ندارند و بدلیل اینکه افراد باید به اجرای تعهدات خود وفادار باشند، وجود قوانین در مؤسسات و سازمان‌ها لازم و ضروری است (۱۰).

در رابطه با تأثیر اخلاق بر پذیرش مالیات، جکسون و میلیرون (۷) بیان می‌نمایند که مفهوم اخلاق مالیاتی نیاز به تعریف روشن و شفاف دارد. در تحقیقی که توسط والاس و ولف (۱۱) انجام شد و کوششی در جهت ایجاد ارتباط بین پذیرش مالیات و تعهد اخلاقی بود، نشان دادند که تمکین از قوانین مالیاتی می‌تواند جانشینی برای رفتارهای اخلاقی در زمینه مالیات باشد. همچنین ترس از حسابرسی مالیاتی می‌تواند مالیات دهندگان را به اطاعت و پذیرش قوانین مالیاتی مجبور نماید و در زمانی که منابع درآمدی به طور مستقل و قابل اثبات هستند (مثلاً بانک‌ها)، سطح پذیرش قوانین بیشتر می‌باشد. اگر اطاعت از قوانین مالیاتی به عنوان یک خصیصه مطلوب اخلاقی دیده شود و چنین رفتاری از طریق عوامل بازدارنده مانند فرایند حسابرسی بهبود یابد، در نتیجه موجب تشویق برای رفتار اخلاقی خواهد شد.

بیلی (۱۲) در مقاله‌ای به نقد نظرات والاس و ولف پرداخته

مالیاتی متفاوتی باهم دارند. به طور بالقوه تثبیت انتقال قیمت، مزایای مالیاتی برای این نوع شرکت‌ها را به دنبال دارد. در شرکت‌های چند ملیتی، اکثر فعالیت‌های سودآور از طریق شعبه یا شرکت وابسته ثبت شده در کشور میزبان انجام می‌گیرد. بدلیل حضور مدیریت مشترک در معاملات و مبادلات فوق، سود معاملات قابل دستکاری است و به نحوی تنظیم می‌گردد که سود در کشوری ایجاد شود که مشمول مالیات و نرخ عوارض کمتری باشد. به این ترتیب شرکت چند ملیتی، مالیات کمتری را پرداخت می‌کند و عملاً به زیان دولت میزبان است. بنابراین برای رفع قوانین نادرست فعلی باید روش‌های قابل قبولی برای انتقال قیمت‌ها بنا نهاده شود. فرضیه ارائه شده به وسیله هانسن و همکاران بدین شکل بیان گردید: «بسیاری از شرکت‌ها در ایالات متحده آمریکا، زیان گزارش می‌نمایند در حالی که بخش‌های بازاریابی این شرکت‌ها در اروپا به سود سرشاری می‌رسند. افزایش در انتقال قیمت بین شرکت‌های ایالات متحده و بخش‌های زیرمجموعه، موجب حاشیه امنی در جهت کاهش مالیات می‌گردد و با جذب زیان‌های شرکت‌های اصلی در ایالات متحده موجب کاهش مالیات پرداختی در اروپا می‌گردند» (۱۶).

اخلاق مشاوران مالیاتی

«قوانین اخلاقی و رهنمودهای عملی برای رفتار حرفه‌ای در ارتباط با مالیات» در ۶ نوامبر ۱۹۹۵ به طور مشترک توسط انجمن رسمی مالیات (CIOT (Chartered Institute of Taxation) انجمن حسابداران رسمی انگلستان و ولز (ICAEW (Institute of Chartered Accountants of England and Wales منتشر گردید. این مجموعه قوانین موجب به وجود آمدن نظرات و عقاید گوناگونی در ارتباط با رفتار حرفه‌ای در مالیات گردید. به طور کلی تضادهای اخلاقی که ممکن است یک مشاور مالیاتی با آنها روبه‌رو گردد، در ۴ طبقه قرار می‌گیرد:

۱. منطقه نامشخص پرهیز از پرداخت مالیات و تقلب مالیاتی.
۲. کشف اشتباه در قانونگذاری توسط مقامات مالیاتی که نتیجه آن وصول کمتر و یا بیش از اندازه مالیات است.
۳. کشف بی‌نظمی در مدارک ارائه شده توسط مؤدی.
۴. چگونگی و زمان افشای اطلاعات مالی (۱۷).

که اگر یک مالیات دهنده در وضعیت نابسامان مالی قرار گیرد به نظر می‌رسد این وضعیت توجیه خوبی برای تقلب مالیاتی وی باشد. همچنین اگر موضوع تقلب و فرار مالیاتی برای مالیات دهنده از لحاظ اخلاقی دارای اهمیت نباشد، وی می‌تواند در مواقع مورد نیاز اقدام به تقلب نماید. آنها این گونه نتیجه‌گیری نمودند که افراد در توجیه عملکرد خویش رفتار دیگران را مدنظر قرار می‌دهند.

تضاد اخلاق شخصی و اخلاق حرفه‌ای حسابداران به عنوان مشاوران مالیاتی

اخلاق حرفه‌ای یک مشاور مالیاتی که به عنوان نماینده‌ای برای یک مؤدی مالیاتی است، وی را با در نظر گرفتن مواد قانونی به حداقل نمودن مالیات مؤدی ملزم می‌نماید. فشارهای ناشی از مؤدی مالیاتی در ارتباط با استعمار از قانون و یافتن منافذ گریز از پرداخت مالیات و همچنین ترس از دست دادن مؤدی به عنوان یک مشتری، وضع دشواری را برای مشاور مالیاتی و اخلاق شخصی وی ایجاد می‌نماید. نکته مهم این است که باید بین مفاهیم پرهیز از پرداخت مالیات و تقلب مالیاتی تفاوت قائل شد. اجتناب از پرداخت مالیات به ترتیبات قانونی اشاره دارد که توسط مؤدی برای کاهش بدهی مالیاتی تنظیم می‌گردد، اما فرار مالیاتی به مفهوم کاستن از بار مالیات با توسل به شیوه‌های غیر قانونی است. اگرچه تمایز بین دو شیوه پرهیز و فرار از پرداخت مالیات همواره آسان نمی‌باشد (۱).

طی تحقیقی که توسط هانسن و همکاران (۱۶) در یک مطالعه موردی انجام گرفت، تضاد موجود بین اخلاق حرفه‌ای و اخلاق شخصی نشان داده شد. در این پژوهش که در ارتباط با انتقال قیمت بین گروه‌ها و بخش‌های چند شرکت صورت گرفته بود مشخص شد که از این شیوه برای حداقل‌سازی بدهی مالیاتی شرکت‌ها استفاده شده بود. قیمت‌گذاری انتقالی، نوعی استراتژی اتخاذ شده توسط حداقل دو شرکت وابسته واقع در موقعیت‌های جغرافیایی تحت حاکمیت حوزه‌های مالیاتی جداگانه جهت مبادله کالاها و خدمات مابین خود و با هدف دستیابی مقرون به صرفه‌ترین خط‌مشی مالیاتی ممکن است. گاهی اوقات بخش‌ها و گروه‌های فرعی یک شرکت، در کشورهای مختلفی مشغول به فعالیت هستند که نرخ‌های

تعهد اخلاقی و درستکاری

تعهد، یکی از ارکان اصلی اخلاق در هر جامعه است و به همین دلیل، این مفهوم، عنصر مهم تمامی نظریه‌های اخلاق است. با توجه به شرایط موجود، نکته‌ای که اکنون باید مدنظر قرار گیرد، حرکت به سوی تنظیم، تدوین و بازبینی اصول اخلاقی است، زیرا این اصول برای هر حرفه‌ای، نقش کلیدی دارند. یکی از این اصول در هر حرفه، صداقت و درستکاری است. معنی این کلمه تمامیت است و منظور از آن در اختیار داشتن مجموعه‌ای منسجم و موافق از اصول تئوری و عملی در اخلاق حرفه‌ای است. درستکاری، یک کیفیت اخلاقی است و در زندگی تمامی افراد می‌توان آن را مشاهده نمود، اما نکته مهم این است که هیچ کس نمی‌تواند به شکل صد درصد آن را به دست آورد (۱۸). طبق نظر مکین تیر (۹)، صداقت و درستی را بدون در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف زندگی افراد نمی‌توان تعریف کرد. تیلور (۱۹)، طی تحقیقاتی نشان داد که بدون وجود یک باطن استوار و اراده قوی که ناشی از درونی شدن ارزش‌های اخلاقی در افراد است، نمی‌توان ویژگی درستکاری را به شکل کامل بدست آورد. ارزش‌های اخلاقی می‌تواند شامل نوع دوستی، اعتماد، احترام متقابل، انصاف، عدالت و غیره باشد. فضایل اخلاقی، یک سری تمایلات شخصی است که موجب برتری افراد نسبت به دیگران می‌شود.

لزوم بازنگری کدهای اخلاقی در حرفه مالیات

افزایش تمکین مالیاتی، یکی از راه‌های افزایش درآمدهای مالیاتی و تحقق اهداف دولت است. پرداخت مالیات واقعی و داوطلبانه، در گرو آشنایی مالیات دهندگان با وظایف و تعهدات آنهاست، اما نکته مهم در این رابطه، بسترسازی مناسب در جهت افزایش اعتماد نسبت به عملکرد و مشارکت با سازمان‌های مالیاتی است. تشبیت کدهای رفتار اخلاقی قبلاً در ساختار حرفه مالیات و سازمان‌های مالیاتی در نظر گرفته شده است، اما در بریتانیا و بیشتر کشورهای اروپایی و آسیایی و از جمله ایران، یک بخش متمرکز برای تصویب و قانونگذاری در ارتباط با نحوه عمل مشاوران مالیاتی وجود ندارد. حرفه مالیات در سراسر جهان، اعضای در نهادهایی مانند انجمن رسمی مالیات، انجمن حسابداران رسمی انگلستان و ولز، انجمن حسابداران رسمی اسکاتلند و ... دارد. اما بیشتر خدماتی که از سوی سازمان‌های

مالیاتی ارائه می‌گردد، توسط اعضای از دیگر بخش‌های حسابداری و در پاره‌ای از موارد حسابداران فاقد صلاحیت، صورت می‌پذیرد (۵). طرح خوداظهاری مالیاتی که در سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۶ ارائه گردید، فضای مناسبی را برای مؤسسات مشاوره و تکمیل اظهارنامه به وجود آورد. نتیجه گوناگونی اعضای مشغول به کار در حرفه مالیات این است که مجموعه‌ای مشترک از دستورالعمل‌های اخلاقی که مشاورین مالیاتی باید به آن وفادار باشند وجود ندارد. بخش‌های موجود در حرفه حسابداری، کدهای اخلاقی مستقلی را منتشر نموده که می‌تواند رهنمود مناسبی برای حرفه مالیات باشد. اگرچه دو نهاد مهم انجمن رسمی مالیات، انجمن حسابداران رسمی انگلستان و ولز دارای قوانین مشترک اخلاقی مرتبط با حرفه مالیات هستند و اعضای نهادهای مالیاتی باید این قوانین را در عملکرد خود بکار گیرند.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر ضمن بررسی و مرور کدهای اخلاقی و رفتاری حرفه‌ای، جایگاه ارزش‌های اخلاقی در حرفه مالیات را تبیین می‌نماید. مقوله رعایت اخلاق و رفتار حرفه‌ای فقط در سایه رعایت منافع عمومی مطرح می‌شود، بدین معنی که در بحث اخلاق و رفتار حرفه‌ای، جنبه عمومی آن مدنظر قرار می‌گیرد و عامل اصلی آن نیز رعایت منافع عمومی می‌باشد، چرا که موجب پذیرش وظیفه و مسؤولیت در قبال جامعه و جلب اعتماد عمومی به هر حرفه می‌شود. از این رو، نکته مهمی که باید مدنظر قرار گیرد، ایجاد فضای مناسب در جهت بهبود و ارتقاء اخلاق حرفه‌ای در میان شاغلین مالیاتی و مشاوران مالیاتی است. ارائه اصول و آئین اخلاق حرفه‌ای و ارزش‌های والای انسانی در دوره‌های تحصیلی دانشجویان رشته‌های مرتبط با حرفه مالیات مانند حسابداری، اقتصاد و ...، موجب بهبود و رشد تفکر اخلاقی و حذف و تهذیب رفتارهای ضد اخلاقی خواهد گردید و می‌تواند به تقویت رفتار و استدلال اخلاقی دانشجویان کمک نماید. در واقع پشتوانه اصلی و اساسی تدوین و رعایت این اصول و آیین‌ها باید بر اساس آموزش اخلاقیات در بین افراد شاغل در بخش مالیات و حسابداران به عنوان مشاوران مالیاتی بوده و بیشترین تأکید در این دوره‌ها باید بر محور آموزش و تقویت تعهد اخلاقی فرد باشد.

References

1. Mahdavikhou M, Khotanlou M. Determining of ethic's position in accounting profession. Proceedings of the National Conference of Accounting and Auditing, Future View. Islamic Azad University, Bonab Branch, 2008 Oct 11-12; Bonab, Iran. [In Persian].
2. Blake J, Gowthorpe C. Ethical issues in accounting. Abingdon, UK: Routledge; 1998.
3. Coleman JW. The criminal elite, fifth edition: the sociology of white collar crime. Now York, NY: Worth Publishers; 2001.
4. Reckers PMJ, Sanders DL, Roark SJ. The influence of ethical attitudes on taxpayer compliance', National Tax Journal 1994; 4: 825-36.
5. Wells JT. Accountancy and white-collar crime. American Academy of Political & Social Science 1993; 525(1): 83-94.
6. Wolfe CJ, Wallace W. Comments on "Do expected audit procedures prompt ethical behavior? Evidence on tax compliance rates. Research on Accounting Ethics 1995, 1: 169-76.
7. Jackson BR, Milliron VC. Tax compliance research problems and prospects. Journal of Accounting Literature 1986; 5: 125-61.
8. Etzioni A. Are business schools brainwashing their MBA's? Business and Society Review 1989; 70: 18-9.
9. MacIntyre A. After virtue. Notre Dame, IN: University of Notre Dame Press; 1981.
10. Mahdavikhou M, Farahabi M. Social pathology of ethics in accounting profession. Proceedings of the National Conference of Sociology and Pphysiology, Islamic Azad University, Roodehen Branch, Iran, 2009 Feb 19; Roodehen, Iran. [In Persian].
11. Wallace C, Wolfe C. Do expected audit procedures prompt more ethical behavior? Research on Accounting Ethics 1995; 1: 145-67.
12. Bailey AD. Commentary on the ethics of compliance with tax laws and regulations. Research on Accounting Ethics 1995; 1: 177-86.
13. Alm J, McClelland GH, Schulze WD. Why do people pay taxes? Journal of Public Economics 1992; 48: 21-38.
14. Mahdavikhou M, Khotanlou M, Abdol R. A conceptual framework for development of ethics in accounting profession. Proceedings of the 4th National Conference of Accounting Students. 2009 May 14; Tehran, Iran. [In Persian].
15. Kaplan SE, Reckers PMJ, Roark SJ. An attribution theory analysis of tax evasion related judgements. Accounting Organizations and Society 1988; 13(4): 371-9.
16. Hansen DR, Crosser RL, Laufer D. Moral ethics v. tax ethics. The case of transfer pricing among multinational corporations. Journal of Business Ethics 1992, 11: 679-86.
17. Professional Conduct in Relation to Taxation. [Online]. [cited Nov 2016]. Available from: URL: https://www.tax.org.uk/sites/default/files/PCRT%20Effective%201%20March%202017%20FINAL_211216.pdf
18. Yaghinlou M, Javaher Dashti F, Khalili Araghi M. Professional ethics: legislation to action. Journal of Tadbir 2003; 135; 80-8. [In Persian].
19. Pincoffs E. Quandaries and virtues. Lawrence, US: University Press of Kansas; 1986.

A Conceptual Framework for Development of Ethics in Tax Profession

Mahdi Mahdavikhou¹, Gholamreza Karami², Mohsen Khotanlou³

Review Article

Abstract

Aim and Background: Today, corporations and organizations fail to pay back taxes and duties using expert and professional auditors and experienced tax consultants and also using the complexity of tax laws or through the influence of offices and they get huge profits by tax evasion or tax evasion. Obviously, the elimination of credibility and trust in the performance of a profession, reduces the level of community confidence and represents a major threat to the economic system of the society. Therefore, the lack of attention to the sensitive and vulnerable points of this profession leads to a conviction and unreliable profession. The design of this research is an analytical descriptive and while investigating the reasons for the decline of ethical values, emphasizes that the main cause of deviations and occupational abnormalities is the lack of moral commitment in individuals and believes that moral excellence is essential for the implementation of professional principles. It tries to explain the role of ethical commitment in the formulation and implementation of professional tax behaviors by providing a different approach to ethical values and introducing harmful grounds on the credibility of the tax profession. The purpose of this study is to examine the ethical perspectives and approaches related to what is the reason for paying taxes and compliance with tax laws and regulations.

Keywords: Ethical commitment, Tax evasion, Tax fraud

Citation: Mahdavikhou M, Karami Gh, Khotanlou M. **A Conceptual Framework for Development of Ethics in Tax Profession.** WJEM 2018; 3(4): 37-43.

Received date: 6.9.2017

Accept date: 10.01.2018

1- MSc of Accounting, Auditor in Economic and Finance Affairs Organization, Hamadan, Iran

2- Instructor, Department of Accounting, Payam Noor University, Hamedan, Iran

3- PhD Student of Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Corresponding Author: Mahdi Mahdavikhou, Email: mahdi.mahdavikhou@gmail.com